

## افغانستان خار چشم شرق و غرب

آسيا يك پيكر آب و گل است ملت افغان در آن پيكر دل است  
از فساد او فساد آسيا در گشاد او گشاد آسيا

زمانیکه فیلسوف و شاعر بزرگ جهان اسلام در مورد افغانستان ابراز نظر کردند و آن قول گرانمایه را که تا اکنون صداقت خویش را حفظ نموده و حفظ خواهد کرد و بر سر زبان هاست، از فساد او فساد آسیا و در گشاد او گشاد آسیا را گفتند شاید آن زمان مصلحت های سیاسی میان کشورهای جهان اینگونه تداخل نداشت طوری که اکنون به حکم پیشرفت های تکنالوژی مصلحت های سیاسی چنین با هم گره خورده که گویی جهان يك کیان سیاسی مشترک است، هر تحول سیاسی در هر گوشه جهان اثر خوب یا بد خویش را بر کشورهای جهان میگذارد به خصوص کشورهای بزرگ جهان.

جریانات سیاسی ۳۰ سال گذشته در افغانستان برین دلالت میکند که در فساد افغانستان فساد جهان و در گشاد و آرامش افغانستان آرامش و استقرار سیاسی جهان نهفته است تا زمانیکه افغانستان دچار بحران و کشمکش نظامی و سیاسی باشد جهان از اثرات آن بحران در امان نخواهد بود، آنچه امروز در کشورهای دخیل و متجاوز بر افغانستان از سقوط نظام مالی گرفته تا اختلال نظام، صحت، اجتماعی مشاهده میشود و کشورهای غربی در جهان اکنون دچار آن است به نحو از انحراف آن آتش است که در افغانستان بدست بلاک غرب شعلور گردیده.

چونکه جوامع و کیان مترقی و متمدن غرب در قلم اول به ارزشهای مادی استوار است پس هر اختلال در سیستم مادی باعث بحران تهدید کننده در جامعه بروز میکند که در نتیجه ملت را در مقابل حکومت به پا استاده میکند طوری که بحران اقتصادی د امریکا منجر به تغییر اداره سیاسی در آن کشور شد، که بسیاری از تحلیلگران سیاسی علت به میان آمدن و بروز آنرا مداخله و تجاوز غرب در جهان اسلام میپندارند، اما آن تابوت های که به دولت های غرب از میدان نبرد افغانستان سرازیر میشوند حرارت همان نبرد است که در افغانستان شعلور شده است، و تأثیر آنرا هم در جامعه غرب به وضاحت درک کرده میتوانیم.

چنین وانمود میشود که ابر قدرت های شرق و غرب برای تصفیه حساب های خویش جای غیر مناسب را در کره خاکی انتخاب کرده اندریا، با سرنگون شدن نظام کمونیزم در افغانستان که کیان غرب را به لرزه در آورده بود با غرب احساس پیدا شد که در برابر آن تمدن روز افزون تصور اسلامی که در افغانستان جان گرفته بود اقدام موثر داشته باشد، آن تصویریکه دارد به جامعه غرب سرازیر میشود و به زعم ایشان جامعه غرب را تهدید میکند و همچنین به دولت هاییکه در جهان اسلام با غرب متحد استند و مصلحت های سیاسی غرب را حفظ نموده اند، لذا برای جلوگیری موج اسلامی که از گرداب افغانستان در نتیجه بی سقوط امپراطوری شرق شکل گرفت غرب که از نیشه بی فروپاشی کیان کمونیزم سر شار بود پلان دو جانبه خویش را براه انداخت، در پهلوی پلان نظامی که برای سرنگون کردن قوت های سیاسی در جهان اسلام آغاز به کار کرد پلان فکری خویش را هم براه انداخت، تا در پهلوی پلان نظامی پلان فکری هم گام به گام تحقق پذیر شود، نقطه آغاز از عراق به حکم همجوار بودنش از ایران و موقعیت جغرافیایی اش که در میان آن دولت های پر ثروت عربی قرار داشت انتخاب گردید چونکه پیامد اساسی پلان فکری تسلیم نمودن زعامت امت اسلامی به ایران برنامه ریزی گردیده بود، تمام جریانات سیاسی گذشته بعد از حضور نیروهای متجاوز به عراق به صداقت همین پلان دلالت میکند همه ای خواسته های ایران در عراق تحقق پذیر گردید، دشمنان ایران در عراق بطور تحفه از طرف نیروهای متجاوز به ایران سپرده شدند و توسط شبکه های استخبارتی ایران در داخل عراق اعدام گردیدند آن هم در وقتیکه باید امت اسلامی عید را جشن بگیرند، امور حکم به چهرهای سیاسی سپرده شد که توسط موسسه سیاسی ایران پرورش یافته بودند.

چونکه موسسه سیاسی غرب بعد از فروپاشی کمونیزم در افغانستان معتقد شده بود که گویا افغانهای نو برآمده از يك جنگ سوزان توان همچو مقاومت را که در برابر روس ها کردند در مقابل تجاوز غرب نخواهند داشت، پس بلادرنگ غرب به اشغال افغانستان شتا بید، با وجود اینکه قوت های متجاوز در عراق دست و گریبان مقاومت شدید شده بودند، آن مقاومتیکه ضربه های سنگین را به پيكر پلان نظامی و فکری غرب وارد میکرد، و از یکطرف در مقابل تجاوز غرب قهرمانانه مقاومت میکرد از سوی دیگر در مقابل حمله های منظم شبکه های استخبارت ایران سنگر گرفته بود، مگر چون اداره ای بوش از نیشه بی سرنگونی کیان روس در افغانستان سیراب شده بود بدون مراجعه به تاریخ شامخ افغانستان به وسعت پلان نظامی خویش در جهان اسلام پرداخت، و به آن گوشه جهان که به مقبره ابر قدرت ها در تاریخ بشریت مشهور است تجاوز خویش را به بهانه ای تطبیق دیموکراسی و سرکوب کردن بنیاد گرای آغاز

کرد، باز هم تصور برین بود که در افغانستان اینبار اساسات و احساسات مقاومت در برابر تجاوز چون گذشته ها وجود ندارد چونکه افغانها از يك جنگ فلاکتبار برآمده است. اما چهار عامل عمده با عث گردیدند تا تجاوزگران را در منجلا ب افغانستان همچو گذشته ها با مشکلات حقیقی روبرو شوند و موجب احساسات انتقام جوی در افغان ها شود.

۱ - پلان پنهان و ماهرانه آن دشمن دیرینه که غرب اعلان از پا در آمدن آنرا جشن گرفته و به دامن پرتشنج آن با همه قوت نظامی خویش تشریف آورده است، آنچه در موسسه سیاسی غرب متصور شده بود به ریشه کن شدن موسس سرخ پوش بلاک شرق تاکید مینمود، اما آنچه در افغانستان شکل میگرفت بکلی به خلاف تصور موسسه سیاسی غرب بود، روس ها توانستند تا در چارچوب قوت های مخالف حکومت افغانستان يك قوت سیاسی را به راه اندازد که تصرف خود مختارانه یی غرب را در افغانستان تهدید کند و این حرکت سیاسی را در داخل افغانستان به جایی رساند که حکومت متمایل به غرب را در همه عرصه های حکومت داری دچار تهدید کند، از سوی دیگر روس به حکم همجواری اش از افغانستان اکثریت آن راه های اکملاتی را در اختیار خویش داشت درین مسیر هم روس ها توانست که غرب را در افغانستان با تهدید حقیقی روبرو کند و روس ها دست آورد های پربهایی سیاسی درین رابطه داشتند، و در معادله ای تعیین سرنوشت سیاسی افغانستان هم ازین بعد استفاده کردند.

۲- روند وروش قوت های متجاوز که از قوت های متجاوز قبلی در افغانستان تفاوت نداشت کراهیت و احساسات عداوت و انتقام جوی را در ملت افغانستان برانگیخت، خواستند غرور ملت غیور و افغان های سربلند را زیر پاکند و انتقام شکست های ننگین خویش را در افغانستان بگیرند، میخواهند که اراده ملت آزاد افغان را زیر چکمه ای پلید مادیت در آورند، میخواهند که ارزش های اصیل اسلامی و افغانی را به ارزش های کم بهایی مادی که هیچ گونه آرمش روحی در آن تحقق پذیر نیست عوض کنند، و طبیعیست که احساسات عداوت و انتقام جوی در ملت آزاد افغانستان به اثر وروش و روند اشغال برپا شود، و افغان ها طوریکه تاریخ شاهد است غلام نشدند و نه هم خواهند شد.

۳- نا توانایی حکومت در برابر خواسته های ملت، هر آنچه را برای ملت در خواب دیموکراسی تعبیر کرده بودند حقیقت نداشت یا به عبارت دیگر هر آنچه به ملت افغانستان دگلسان دیموکراسی وعده شده بود تحقق پذیر نگردید، ملت بدست همین ارمغان آوران نظام دیموکراسی فروخته شد، به نام ملت هر آنچه میسر شد با باداران غربی خویش دزدیدند، ملت مظلوم افغانستان را به کیان غربی گروگان گذاشتند، فساد اداری که از آن سخن به میان آمده هم بدست همین ها در جامعه افغانی ترویج شده و جامعه را دچار يك مرض مهلك و کشنده ساخت، امروز عده زیادی از افغان ها رشوت را گناه نمیپندارند، در حالیکه افغانها اینگونه تصرف را خلاف عنعنات و ارزش های دینی خویش میپنداشتند.

۴- عدم امنیت در کشور که زندگی هر افغان را تهدید میکند بالاخص در جنوب افغانستان که مصیبت های فراوان را در جامعه بار آورده است، زمینه های تعلیم و تربیت از هم پاشیده روبره کاهش است، زمینه های بازسازی هم به اساس وضعیت نا گوار امنیتی ممکن نیست.

به اساس دیدگاهی سیاستمداران جامعه غرب شکست غرب در افغانستان قریب الوقوع گردیده است، وارسال عساکر تازه نفس به افغانستان مطابق استراتژی اوباما هم در رابطه به از پا در آمدن غرب در افغانستان کدام تحول نو را بار نخواهد آورد، و دنیال کردن اوباما پلان اداره سیاسی جورج بوش همان مشکلات را به اداره اوباما خلق خواهد کرد که موجب خروج اداره بوش از زمامداری سیاسی امریکا شد.

لذا افغانستان يك بار دیگر خار چشم امپراطوری غرب شده طوریکه خار چشم بلاک شرق شده بود يك بار دیگر نتیجه یی معادله سیاسی و پلان شده غرب در افغانستان خلاف توقع ایشان رو به ظهور است.

پای